حج برتر در سنت نبوي

مجيد معارف

مقدمه :

به گفته روايات ، حج در اسلام به سه گونه تشريع شده است كه عبارت اند از : « اِفراد » ، « قِران » و « تمتّع » . ( 1 ) برپايه همين روايات :

حج اِفراد ، به معناي حج خالص است ؛ به گونه اي كه حج گزار به جز انجام مناسك حج ، نيت ديگري نداشته باشد . ( 2 )

حج قِران ، عبارت از حجّي است كه در آن حاجي از محل سكونت خود اقدام به آوردن قرباني كند . ( 3 )

و حج تمتع ، به معناي حجي است كه در آن حاجي در فاصله انجام مناسك عمره و مناسك حج ، از حالت احرام خارج شده و به بهره برداري و تمتّع از مواهبي كه در زمان احرام بر وي جايز نبوده است ، مجاز مي گردد . ( 4 )

در روايات شيعه بر انجام مناسك حج ، از نوع سوم ، بسيار تأكيد شده و از آن به عنوان حج برتر و يادگار سنت پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) و سيره امامان معصوم ( عليهم السلام ) سخن رفته است . در صورتي كه در مورد برترين نوع حج ، اختلافات فاحشي در مذاهب چهارگانه اهل سنت وجود دارد . حج تمتّع به عنوان مورد سفارش پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) از ادلّه استواري در روايات اهل سنت برخوردار است ، اما در پي

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . الكافي ، ج4 ، صص294 ـ 291 ، باب اصناف الحج ؛ تهذيب الأحكام ، ج5 ، صص56 ـ 29 ، باب ضروب الحج ؛ وسايل الشيعه ، ج8 ، صص221 ـ 148 ، با عنوان ابواب اقسام الحج ؛ بحارالأنوار ، ج96 ، ص86 ، باب انواع الحج ؛ من لا يحضره الفقيه ، ج2 ، ص203 ، باب وجوه الحاج .

2 . الحدائق الناضره ، ج14 ، ص314 كه درباره وجه تسميه حج « اِفراد » مي نويسد : « أما في الإفراد فلإنفصاله عن العمرة و عدم إرتباطه بها » .

3 . تهذيب الأحكام ، ج5 ، ص51 ، در حديث معاوية بن عمار آمده كه امام صادق ( عليه السلام ) درباره حج قِران فرمود : « لا يكون قران إلاّ بسياق الهدي » و نيز بنگريد به : الحدائق الناضرة ، ج14 ، ص314 و نيز من لا يحضره الفقيه عن أبي عبدالله ( عليه السلام ) : الحاج عندنا علي ثلاثة أوجه : حاج متمتّع وحاج مفرد للحج وسائق للهدي والسائق هو القارن .

4 . روايات تشريع عمره تمتع را در ادامه مقاله .

21

اقدام برخي از صحابه در نفي عمره تمتّع ، عملاً بر اقسام ديگر حج توصيه و تأكيد شده است . اين نوشتار بر آن است كه با تكيه بر ادلّه رواييِ فريقين ( شيعي و سني ) به بررسي وضعيت حج تمتع در عصر پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) بپردازد و ارجحيت آن را نسبت به دو قسم ديگر ، به ويژه با تكيه بر روايات وارده از طريق اهل بيت ( عليهم السلام ) مبرهن سازد .

درآمد

گزارشي از حج پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) در حَجّة الوداع و تشريع عمره تمتّع در خصوص چگونگي حج آن حضرت در حجة الوداع ، روايات متعدد و گاهي مفصّل در جوامع حديثي فريقين وارد شده ( 1 ) و با استفاده از همين روايات ، كتب مستقلي نيز ويژه كيفيت حجّ آن بزرگوار به رشته تأليف كشيده شده است ؛ ( 2 ) از جمله عبدالله بن سنان در حديثي از امام صادق ( عليه السلام ) سفر پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) در حجة الوداع را چنين گزارش كرده است :

« پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) اعلام كرد كه من عازم حجّ خانه خدايم و نامه اي نوشت تا به مسلمانان ابلاغ شود كه هركس مي تواند عازم حج شود . مسلمانان از اطراف مدينه گرد آمدند . پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) از مدينه خاج شد و موقعي كه در كنار ( مسجد ) شجره فرود آمد ، فرمود تا همگان موهاي زايد بدن را بزدايند و غسل كنند و لباسي بر تن نكنند جز يك قواره پارچه كه بر كمر ببندند و يك قواره ديگر كه بر دوش بپيچند و اگر ندارند ، عمامه خود را بر دوش بگيرند . ابو عبدالله گفت : پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) به اين صورت لبيك مي گفت :

« لَبَّيْكَ ، اللّهُمَّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ، اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ ، لا شَرِيكَ لَكَ » .

« آمدم ، بار خدايا ! آمدم ، و تو را انبازي نيست . آمدم . ستايش و نعمت هر دو از آن تو است همراه با پادشاهي و تو را انبازي نيست . »

و فراوان مي گفت : « لَبَّيْكَ ذَا الْمَعارِج لَبَّيْكَ » ؛ « آمدم اي صاحب آسمان هاي بلند ، آمدم . » و هرگاه به رهگذري برمي خورد و يا بر پشته اي بالا مي رفت و يا از دره اي سرازير مي گشت ، آواي لبيك را از سر مي گرفت و نيز در پايان شب ها و بعد از نمازها ، به تكرار آن مي پرداخت .

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . اهم اين روايات را بنگريد در : الكافي ، ج4 ، صص252 ـ 244 ، باب حج النبي ( صلّي الله عليه وآله ) ؛ من لا يحضره الفقيه ، ج2 ، ص153 ؛ بحارالأنوار ، ج96 ، ص90 ؛ وسايل الشيعه ، ج8 ، ص164 ؛ تهذيب الأحكام ، ج5 ، ص30 ؛ سنن النبي ، ج6 ، صص66 ـ 51 در روايات مختلف ، حج الأنبياء والأئمه ، صص99 و 128 ـ 132 ؛ الحج والعمرة في الكتاب والسنة ، صص285 ـ 281 ؛ الحدائق الناضرة ، ج14 ، ص311 ، كيفية حج النبي .

و نيز بنگريد به : صحيح مسلم ، ج2 ، صص886 ـ 892 ، باب حجة النبي ( صلّي الله عليه وآله ) ؛ صحيح بخاري ، ج2 ، صص655ـ649 در روايات مختلف ؛ الموطّأ مالك ، ج1 ، ص335 ؛ سنن ابن ماجه ، ج2 ، ص991 ؛ سنن نسايي ، ج5 ، ص151 ، التمتع ؛ حجة الوداع از ابن حزم ، ص329 ، الأحاديث الواردة في أمر رسول الله بفسخ الحج بعمرة في حجة الوداع ؛ سنن ابي داود ، ج2 ، صص161 ـ 152

2 . برخي از اين كتب به قرار زير است : حجة الوداع ، تأليف ابن حزم اندلسي ( م456 ) ؛ حجة المصطفي تأليف محب الدين طبري ( م694 ) ، حجة الوداع تأليف محمد زكريا كاندهلوي ؛ احوال النبي في الحج از فيصل بن علي البعداني ؛ الحج والعمرة في الكتاب والسنة تأليف محمدي ري شهري ؛ حج الأنبياء والأئمه از معاونت امور آموزش بعثه ؛ همگام با پيامبر در حجة الوداع ، تأليف حسين واثقي .

22

هنگام ورود به مكه ، از گردنه بالاي مكه وارد شد و زمان بازگشت به مدينه از درّه پايين مكه ؛ يعني « ذي طوي » بيرون آمد . پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) هنگام ورود به مسجد متوقف شد و رو به كعبه ايستاد و خدا را سپاس و ثنا گفت و بر پدرش ابراهيم خليل درود فرستاد و بعد از ورود به مسجد ، به سوي حجرالأسود رفت و آن را بوسيد ، سپس مشغول به طواف شد و بعد از طواف در پشت مقام ابراهيم ، دو ركعت نماز خواند . بعد از نماز ، بر سر چاه زمزم آمد و از آن نوشيد و گفت : « اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً وَرِزْقاً واسِعاً وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داء وَسُقْم » . و اين دعا را رو به قبله تكرار كرد . سپس به اصحاب خود فرمود : ديدار از كعبه ، بايد با استلام حَجَر پايان پذيرد . بار ديگر حجرالأسود را بوسيد و راهيِ صفا شد و با صداي بلند گفت : « از آن جا آغاز مي كنم كه خداوند آغاز كرده است . » لذا بر كوه صفا بالا رفت تا سعي صفا و مروه را آغاز كند و چندان بر روي آن توقف كرد كه انسان مي تواند سوره بقره را تلاوت كند . ( 1 )

طبق روايت ديگر ، كه معاوية بن عمار از امام صادق ( عليه السلام ) نقل كرده است ، پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) پس از فراغت از سعي صفا و مروه ، اشاره به پشت سر خود كرد و خطاب به مردم فرمود : اكنون اين جبرئيل است كه به من مي گويد : به شما فرمان دهم كه هركس با خود قرباني نياورده ، از احرام خارج شود ( و عمل خود را عمره قرار دهد ) و اگر من آن چه تاكنون انجام داده ام ، انجام نداده بودم ، همان كاري را كه به شما فرمان دادم ، انجام مي دادم ، ليكن اكنون قرباني به همراه آورده ام و براي كسي كه قرباني به همراه دارد ، شايسته نيست از احرام خارج شود ، مگر آن كه قرباني به قربانگاه رسد .

در اين هنگام يكي از حاضران گفت : « ما به حج آمده ايم ، در وضعيتي كه از سر و موي ما آب ( غسل ) ريزان است . پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) به او گفت : تو هيچ گاه به اين حكم ايمان نخواهي آورد . ( 2 ) در اين لحظه ، سراقة بن مالك بن جعشم كناني گفت : اي فرستاده خداوند ، دين ما را آن گونه به ما بياموز كه گويا امروز آفريده شده ايم . اين دستور كه فرمودي ويژه امسال است يا براي هميشه ؟ پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) در پاسخ او فرمود : اين فرماني است براي هميشه ، تا روز قيامت . سپس انگشتان خود را در هم فرو برده ، گفت : اين چنين حج و عمره تا روز قيامت به هم پيوسته گرديد . ( 3 )

پس از سخنان پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) ، گرچه حكم شرعيِ جديد براي بعضي از صحابه سنگين و غير قابل قبول مي نمود ، ليكن به هر جهت اصحاب و همراهان پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) به دو گروه تقسيم شدند ؛ الف : كساني كه همانند پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) از مدينه با خود قرباني آورده بودند كه از جمله آن ها ابوبكر ،

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . الكافي ، ج4 ، صص249 و 250 ؛ گزيده كافي ، شماره1777

2 . اين شخص طبق پاره اي از روايات عمر بن خطاب بوده است ؛ بنگريد به : مرآة العقول ، ج17 ، ص113 . و لذا بعد از رحلت پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) و در دوران خلافت خود به انكار اين حكم شرعي و ممنوعيت آن حكم نمود ( همان جا و نيز ادامه همين مقاله ) .

3 . الكافي ، ج4 ، ص246 ؛ من لا يحضره الفقيه ، ج2 ، ص153 ؛ وسايل الشيعه ، ج8 ، ص164 و نيز نزديك به همين حديث را بنگريد در صحيح مسلم ، ج2 ، ص886

23

عمر ، طلحه ، زبير و گروه ديگر بودند ، ( 1 ) لذا همانند پيامبر بر حال احرام باقي ماندند و نتوانستند از رخصت تمتّع استفاده كنند ب : آن دسته از همراهان حضرت ، كه اكثريت را تشكيل مي دادند ، قرباني به همراه نياورده بودند ، از جمله آن ها همسران پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) و حضرت فاطمه زهرا ( عليها السلام ) از لباس احرام به در آمده و عمل خود را عمره قرار دادند . ( 2 )

طبق روايتي ، علي ( عليه السلام ) كه در اين ايام از ناحيه يمن به مكه وارد شد ، پس از مشاهده حضرت فاطمه ( عليها السلام ) ، كه از احرام خارج شده و لباسي رنگين به تن كرده بود ، ابتدا تعجب كرد ، اما پس از توضيحات همسرش ، در جريان تشريع عمره تمتّع قرار گرفت و متقاعد شد . ( 3 )

آنگاه به محضر پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) نايل شد و پيامبر از وي پرسيد : اي علي ، با چه نيّتي لباس احرام به تن كردي ؟ علي ( عليه السلام ) در پاسخ گفت : به هنگام پوشيدن جامه احرام گفتم : خدايا ! من با همان نيتي محرم مي شوم كه پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) محرم شده است . پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) به او فرمود : پس تو نيز بر حالت احرام باقي بمان ؛ زيرا تو در قرباني من شريكي ( و من از مدينه به نيت تو قرباني آورده ام ) . ( 4 )

بنا به حديث امام صادق ( عليه السلام ) پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) و اصحاب او در بطحا ساكن شدند تا آن كه روز ترويه فرا رسيد . صبحگاهانِ روز ترويه ، بار ديگر پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) به مردم اعلام كرد غسل كرده ، براي انجام حج ، جامه احرام بر تن كنند و عازم منا شوند و پس از درنگ يك روزه ، فرداي آن روز عازم عرفات گردند و . . . ( 5 )

تشريع حج تمتّع در روايات اهل سنت

آنچه گذشت ، چگونگي حج تمتّع با تكيه بر روايات شيعه بود ؛ اما تشريع اين حكم در روايات اهل سنت نيز انعكاس وسيعي دارد ؛ به عبارت ديگر ، چگونگي حج پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) ـ كه متضمّن تشريع عمره تمتّع نيز مي باشد ـ بهوسيله گروه زيادي از اصحاب پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) گزارش شده كه جوامع حديثي به درج روايات آن مبادرت كرده اند ، جز آن كه دراين جوامع روايات ديگري نيز جلب نظر مي كند كه حاكي از عدم رضايت برخي از صحابه در تشريع اين حكم شرعي بوده و احياناً احكام ديگري را بيان مي كند ، لذا در رواياتِ اهل سنّت اختلافات و بعضاً تعارض هايي در حكم عمره تمتّع قابل مشاهده است كه لازم است در اين قسمت ، نمونه هايي از روايات گوناگون آورده شود و سپس داوري مناسب صورت پذيرد .

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . ابن حزم ، حجة الوداع ، ص118

2 . همان جا و نيز صحيح بخاري ، ج2 ، صص 651 ـ 649 ؛ موطأ مالك ، ج1 ، ص337 ؛ سنن ابي داود ، ج2 ، ص156

3 . سنن ابي داود ، ج2 ، ص158 ؛ الكافي ، ج4 ، ص246

4 . الكافي ، ج4 ، ص246 ؛ طبق پاره اي از روايات ، پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) از مدينه صد شتر به همراه آورد كه از اين تعداد 34 عدد را به نيت علي ( عليه السلام ) و 66 شتر را به نيت خود آورده بود . بنگريد به : من لا يحضره الفقيه ، ج2 ، ص153 ؛ وسايل الشيعه ، ج8 ، ص164 ، سنن النبي ، ج8 ، ص59

5 . الكافي ، ج2 ، ص247 با اندكي تلخيص .

24

الف ) روايات اهل سنّت در تشريع اصل حج تمتّع

روايات اهل سنّت در تشريع اصل حجّ تمتّع ، با كثرت و تنوّع چشمگيري همراه بوده و طبق پاره اي از تحيقات و پژوهش ها ، بيش از 15 تن از صحابه به نقل آن پرداخته اند كه عبارت اند از : جابر بن عبدالله انصاري ، ابوسعيد خدري ، براء بن عازب ، علي ( عليه السلام ) ، انس بن مالك ، ابو موسي اشعري ، ابن عباس ، ابن عمر ، سبرة بن معبد جهني ، سراقة بن مالك مدلجي ، ابوذر ، معقل بن يسار ، فاطمه زهرا ( عليها السلام ) ، حفصه ، عايشه و اسما دختر ابوبكر ( 1 ) .

پاره اي از اين روايات به قرار زير است :

1 . معروف ترين حديث در اين باره ـ كه گزارش كاملي از حج پيامبرخدا ( صلّي الله عليه وآله ) را در بردارد ، حديث جابر بن عبدالله انصاري ، در ملاقات با امام باقر ( عليه السلام ) است كه مسلم در صحيح خود به درج آن پرداخته است . طبق اين حديث ، امام صادق ( عليه السلام ) از قول پدر خود نقل مي كند كه ما بر جابر بن عبدالله انصاري ـ در حالي كه وي نابينا بود ـ وارد شديم ، وي از حال حاضران پرسيد ، تا اين كه به من رسيد ؛ به او گفتم : من محمّد بن علي بن حسين هستم . پس از خوشامدگويي ، به من گفت : اي برادر زاده ! از هرچه مي خواهي بپرس . . . پس گفتم : مرا از چگونگي حج گزاري پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) آگاه ساز . گفت : پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) نُه سال در مدينه اقامت كرد و حج به جا نياورد تا آن كه در سال دهم ، مسلمانان را جهت انجام حج فراخواند . پس از آخرين دورِ سعي صفا و مروه ، به مسلمانان گفت : اگر آن چه را كه اكنون انجام داده ام ، به جا نياورده بودم ( و قرباني با خود همراه نكرده بودم ) مناسك خود را عمره قرار مي دادم ، لذا آن كس كه قرباني با خود نياورده ، مناسك خود را عمره قرار دهد و از احرام خارج شود .

در اين هنگام سراقة بن مالك بن جعشم از جاي برخاست و عرض كرد : اي پيامبر خدا ؛ اين حكم ويژه امسال است يا تا ابد برجاست ؟ پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) يكي از انگشتان خود را در ديگري داخل كرده ، فرمود : عمره داخل در حج شد و دو مرتبه اين سخن را تكرار كرد . . . ( 2 )

2 . ابوسعيد خدري نقل مي كند كه : ما با پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) به قصد حج ـ از مدينه ـ خارج شده و تلبيه سرداديم ، اما چون به مكه رسديم ، به ما دستور داد به جز كساني كه قرباني به همراه آورده اند ، بقيه كارهاي خود را عمره قرار دهند ، تا آن كه روز ترويه فرا رسيد كه بار ديگر به قصد حج احرام بسته و عازم منا شديم . ( 3 )

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . حجة الوداع ، اثر ابن هرم اندولسي ، 344

2 . تفصيل حديث را بنگريد در : صحيح مسلم ، ج2 ، صص892 ـ 886 باب حجة النبي ( صلّي الله عليه وآله ) و گزيده هاي حديث را نكـ : منابع پيشين بحث : گزارشي از حج پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) در حجة الوداع .

3 . صحيح مسلم ، ج2 ، ص914

25

3 . سراقة بن مالك مدلجي گويد : به پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) گفتم : اي فرستاده خدا ، حكم حج را براي ما چنان بيان كن كه گويي امروز به دنيا آمده ايم ـ و چيزي نمي دانيم ـ پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) فرمود :

« خداوند عمره را داخل در حج كرد . چون به مكه رسيديد ، هركدام از شما كه طواف خانه خدا و سعي صفا و مروه را انجام داد از احرام خارج شود ، مگر كساني كه قرباني به همراه آورده باشند . » ( 1 )

4 . عبدالله بن عمر گويد : « پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) در حَجّة الوداع حج را به عمره تبديل كرد . آن حضرت از ذوالحليفه قرباني به همراه آورد . پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) و همراهان او به قصد حج لبيك گفتند . برخي قرباني به همراه داشتند و برخي نه . چون همگان به مكه رسيدند ، پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) فرمود : كساني كه قرباني آورده اند ، جايز نيست از احرام خارج شوند مگر آن كه حج را به پايان برند . اما كساني كه قرباني به همراه ندارند ، خانه را طواف كرده ، به سعي صفا و مروه و سپس تقصير اقدام كنند و پس از آن از احرام خارج گردند تا آن كه مجدداً ( در روز ترويه ) براي حج لبيك گفته و قرباني خود را به قربانگاه ببرند . » ( 2 )

5 ـ عايشه نقل مي كند : پنج روز مانده به اتمام ماه ذي قعده ، با پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) به قصد حج از مدينه خارج شديم ، اما چون به حوالي مكه رسيديم ، آن حضرت فرمود : كساني كه قرباني با خود نياورده اند ، پس از انجام مراسم طواف خانه خدا ، از احرام خارج شوند . ( 3 )

ب ـ روايات مقابل با تشريع حج تمتّع

در مقابلِ رواياتي كه درخصوص تشريع حج تمتع از نظر گذشت ، روايات ديگري نيز در منابع حديثي اهل سنت جلب نظر مي كند كه تأكيد بر انجام حج اِفراد يا حجّ قِران داشته و نظر به جدايي مراسم عمره و حج به صورت توأمان و در يك سفر دارد . برخي از اين روايات حكايت از سيره پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) در اين خصوص مي كند و برخي ديگر عمل پاره اي از صحابه ، بهويژه خلفاي اوّليه را پس از رحلت پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) گزارش مي نمايد . ضمناً ، در بيشتر اين روايات ، مخالفت گروه ديگري از صحابه بهويژه علي ( عليه السلام ) در نقد عمل خلفا و اصرار بر انجام عمره تمتّع در ماه هاي حج قابل ملاحظه است . نمونه اي از روايات وارده در اين زمينه ، به قرار زير است :

1 . محمد بن منكدر از جابر نقل مي كند كه : « پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) و ابوبكر و عمر به انجام حج

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . سنن ابي داود ، ج2 ، ص159

2 . همان مأخذ ، ص160

3 . سنن نسائي ، ج5 ، ص122

26

افراد بسنده كردند . » ( 1 )

2 . ابن عمر نقل مي كند : « ما با پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) تنها براي حج اِفراد محرم شده و تلبيه گفتيم »

و در روايت ديگر ابن عون تصريح مي كند كه پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) به حج اِفراد اقدام كرد . ( 2 )

3 . ابراهيم تيمي از پدرش نقل مي كند كه او در ربذه با ابوذر ملاقات كرد و ابوذر به او گفت : عمره تمتّع صرفاً براي ما ( اصحاب پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) وضع شد و اختصاصي به ديگران ندارد . ( 3 ) و مطابق نقل هاي ديگر از ابوذر ، انجام دو متعه حج و نساء ، رخصتي بود كه تنها در اختيار اصحاب پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) قرار گرفت . ( 4 )

4 . ابوموسي اشعري مي گويد : وي پس از رحلت پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) تا ايام خلافت عمر به عمره تمتّع فتوي مي داد . در يكي از سال ها ، شخصي به او گفت : خليفه فتواي جديدي صادر كرده و عمره تمتّع را ممنوع ساخته است . او نظر عمر را جويا گرديد و عمر گفت : اگر بخواهيم مطابق قرآن عمل كنيم كه مي فرمايد : { وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلّهِ . . . } ( 5 ) و اگر بخواهيم مطابق سنّت عمل كنيم كه پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) تا وقتي ذبح نكرد ، از احرام خارج نشد . ( 6 ) و بنابر حديثي ديگر ، به ابوموسي گفت : من مي دانم كه پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) و ياران او به عمره تمتّع رخصت داده اند ، اما كراهت دارم از اين كه مردم در اراك ( سرزمين عمره در عرفات ) به تمتّعات جنسي مشغول شوند و در حالي كه آب غسل از آنان سرازير است عازم حج شوند . ( 7 )

5 . سعيد بن مسيب گويد : علي و عثمان ، هر دو ، در عسفان بودند . عثمان مردم را از عمره تمتع نهي مي كرد . علي ( عليه السلام ) ـ در مقام اعتراض ـ به او گفت : آيا از چيزي نهي مي كني كه پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) به آن فرمان داده است ؟ عثمان گفت : ما را به حال خود واگذار . حضرت فرمود : نمي توانم و چون علي ( عليه السلام ) عثمان را در عقيده خود مصرّ ديد ، خود به انجام حج و عمره فتوي داد . ( 8 )

آيا رخصت عمره تمتّع اختصاصي بود ؟

برخي از رواياتِ مخالف با تشريع عمره تمتع ، بر اين پايه است كه رخصت ياد شده ويژه اصحاب پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) و محدود به دوران رسالت بوده است ، لذا نمي توان به عنوان يك حكم دائمي آن را مورد عمل قرار داد ! در اين زمينه بهويژه از قول ابوذر ادعاهايي وارد شده ؛ مثلا :

1 . ابراهيم تيمي از پدرش و او از ابوذر روايت مي كند كه گفت : متعه در حج ويژه

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . سنن ابن ماجه ، ج2 ، ص989 و نيز بنگريد به روايات ديگر همين باب تحت عنوان : « الإفراد بالحج » .

2 . صحيح مسلم ، ج2 ، ص905 ؛ موطأ مالك ، ج1 ، ص335 ( 4 ) همان جا به رقم هاي 164 ـ 160

3 . صحيح مسلم ، ج2 ، ص827 و نيز سنن ابن ماجه ، ج2 ، ص994

4 . صحيح مسلم ، ج2 ، ص897

5 . بقره : 196

6 . صحيح مسلم ، ج2 ، ص895 ؛ صحيح بخاري ، ج2 ، ص650

7 . همان جا ، ج2 ، ص896 ؛ سنن ابن ماجه ، ج2 ، ص992

8 . همان جا ، ج2 ، ص897 و نيز نكـ : موطأ مالك ، ج1 ، ص336

27

اصحاب پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) تشريع گرديد . ( 1 )

2 . همان راوي از ابوذر روايات مي كند كه گفت : استفاده از دو متعه براي كسي جز ما ـ به طور ويژه ـ جايز نيست ؛ متعه زنان و متعه حج . ( 2 )

3 . عبدالرحمان بن ابي شعثاء گويد : نزد ابراهيم نخعي و ابراهيم تيمي آمده و به آن دو گفتم : من تصميم دارم كه امسال ميان عمره و حج ، جمع كنم . ابراهيم نخعي گفت : اما پدر تو ميان اين دو ، جمع نمي كرد . ابراهيم تيمي از پدر خود نقل كرد كه وي در اين خصوص در ربذه نظر ابوذر را جويا شد و او گفت : رخصت عمره تمتّع تنها براي ما صادر شد و ارتباطي با شما ندارد . ( 3 )

نقد و بررسي روايات مخالف با جواز عمره تمتّع

در مقام جمع بنديِ روايات گذشته و نقد روايات مخالف با جواز عمره تمتع بايد گفت : رواياتي كه حكايت از اجتناب پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) و برخي از صحابه از انجام عمره تمتع در حَجة الوداع دارد ، رواياتي قابل قبول بوده كه دليل آن صرفاً قرباني به همراه داشتن پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) و دسته اي از اصحاب ايشان دارد و چنان كه پيشتر گذشت ، در همان سال دهم هجري ، بيشتر همراهان پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) ؛ از جمله همسران آن حضرت و نيز فاطمه زهرا ( عليها السلام ) موظف به انجام عمره تمتّع شدند و تنها در روز ترويه به قصد حج لبيك گفتند . رواياتي كه رخصت عمره تمتّع را ويژه اصحاب پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) اعلام مي كند ، رواياتي غير قابل قبول بوده و قطعاً بر پايه جعل يا توهّم وارد شده است . دليل آن اوّلاً : رواياتي است كه تشريع عمره تمتّع و نيز توأمان بودن عمره و حج در ماه هاي حج را به عنوان حكم ابدي اعلام مي كند ـ از جمله سؤال سراقة بن مالك جعشم از پيامبر خد ( صلّي الله عليه وآله ) كه در پاسخ او به ابدي بودن حكم تشريع عمره اشاره گرديد . ( 4 ) ـ و ثانياً روايات متعددي در منابع اهل سنت وارد شده كه از نهي و تحريم عمره تمتّع در ماه هاي حج به عنوان بدعتي از سوي عمر حكايت دارد و ظاهراً تا وقتي عمر زنده بود ، مردم را از انجام عمره تمتّع نهي كرد و نهي او مورد تبعيت قرار داشت . اما چون از دنيا رفت ، مجدداً ميان اصحاب پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) در خصوص جواز يا عدم جواز آن اختلاف نظر بهوجود آمد و اكثر اصحاب پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) به اين دليل كه در نسخ عمره تمتّع آيه و سنتي وجود ندارد و تنها بر پايه رأي و نظر شخصي ( عمر ) نهي از عمره تمتّع وارد شده ، مجدّداً متمايل به انجام آن شدند .

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . صحيح مسلم ، ج2 ، ص897

2 . همان جا .

3 . همان جا .

4 . سنن ابن ماجه ، ج2 ، ص991

28

روايات زير شاهد موارد ياد شده است :

1 . مُطرِّف بن عبدالله از عمران بن حُصَين روايات متعددي نقل كرده كه در همه جا ، نهي از انجام عمره تمتّع ، به اجتهاد شخصي ، پس از رحلت پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) ، نسبت داده شده است ؛ از جمله آن كه گفت : « بدان كه پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) بين حج و عمره را جمع كرد و پس از آن ، نه آيه اي در مقام نسخ اين حكم نازل شد و نه پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) از انجام آن نهي كرد ، تا آن كه شخصي به رأي و اجتهاد خود در آن چه خواست ، فتوايي صادر كرد . ( 1 )

2 . محمد بن عبدالله بن حارث گويد : سعد بن ابي وقاص و ضحاك بن قيس درباره جواز عمره تمتع در ماه هاي حج با هم سخن مي گفتند ، ضحّاك معتقد بود اين كار را جز كساني كه جاهل به امر خدا باشند ، كس ديگر انجام نمي دهد ، اما سعد به او گفت : اي برادرزاده ، تو رأي بد و فاسدي داري . ضحاك گفت : عمر بن خطاب از عمره تمتع نهي كرده است . اما سعدبن ابيوقاص گفت : ولي پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) آن را انجام داده ( بدان فرمان داده است ) و ما نيز همراه با پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) آن را انجام داديم . ( 2 )

3 . يكي از اهالي شام ، از عبدالله بن عمر درخصوص عمره تمتع سؤال كرد . وي گفت : كاري حلال و جايز است . سؤال كننده گفت : اما پدر تو از آن نهي كرده است . عبدالله بن عمر گفت : نظر تو در اين باره چيست كه اگر پدر من از عمره تمتّع نهي كرده و در همان حال پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) بدان فرمان داده باشد ، فرمان پدرم قابل تبعيت است يا حكم پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) ؟ مرد شامي گفت : البته امر و فرمان پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) . عبدالله بن عمر گفت : پس بدان كه پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) چنين كاري ( فرماني ) داده است .

علت تشريع عمره تمتّع در ماه هاي حج

از مباحث پيشين ، اجمالاً به دست آمد كه عمره تمتّع در سال حَجّة الوداع تشريع گرديد و به فاصله كوتاهي ، پس از آن ، پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) از دنيا رفت و درنتيجه اين حكم شرعي به عنوان سنت و يادگار آن بزرگوار باقي ماند كه تا به امروز نيز به قوت و اعتبار خود باقي است ؛ زيرا مخالفت عدّه معدودي از صحابه ؛ از جمله عمر و عثمان نتوانست حتي در ميان اهل سنت اصالت حكم ياد شده را با خطر جديد همراه سازد . اما دليل اين تشريع چه بود ؟ جهت روشن شدن مطلب بايد گفت : از روايات تاريخي چنين به دست مي آيد كه در دوران جاهليت ، مردم

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . صحيح مسلم ، ج2 ، ص899 و نيز بنگريد به روايات متعدد در همين كتاب از شماره 173 ـ 165 ؛ سنن ابن ماجه ، ج2 ، ص991

2 . سنن ترمذي ، ج3 ، ص185

29

در ماه هاي حج تنها به قصد حج خالص مُحرم شده و تا روز عيد قربان ـ كه قرباني و حلق يا تقصير صورت مي گرفت ـ در حالت احرام باقي مي ماندند . نيز براي انجام مناسك عمره در ماه هاي ديگر ، به خصوص ماه رجب ، عازم زيارت خانه خدا مي شدند و به عنوان يك رسم معتقد بودند كه وقتي زخم پشت مركب سواري حج بهبود يافت و بر آن كرك روييد و ماه صفر فرا رسيد ، انجام عمره جايز مي گردد . ( 1 ) اما اين گونه انجام مناسك عمره در عمل از دو ناحيه مشكلاتي براي زائران خانه خدا بهوجود مي آورد كه عبارت اند از :

1 . تعدد سفرهاي زيارتي به مكه ؛ به اين معني كه طالبان حج و عمره ، براي انجام اين عبادات ، سفرهاي متعددي داشته باشند ؛ از جمله در ماه هاي حج ، به قصد « حج » و در ماه هاي ديگر به خصوص ماه رجب ، به قصد « عمره » ، بار سفر به سوي مكه ببندند و طبعاً اين كار چه از جهت صرف هزينه و چه از جهت دوري و ناامني راه ها ، براي بسياري از زائران مشقّاتي دربرداشت . توسعه تدريجي سرزمين هاي اسلامي و زياد شدن روزبه روز تعداد مسلمانان ، به حجم مشكلات اضافه مي كرد و در نتيجه ممكن بود به تعطيل شدن عمره بينجامد ، حال آن كه از برخي روايات به دست مي آيد انجام حج و عمره هر دو مدّ نظر خداي تبارك و تعالي بوده و در نتيجه بر مسلمانان واجب شده است . ( 2 )

2 . باقي ماندن ايام طولاني در حال احرام ؛ مي دانيم كه پس از حضور حج گزار در يكي از ميقات ها و پوشيدن لباس احرام و گفتن لبيك ( بهويژه به قصد حجّ خالص ) 24 چيز بر او حرام مي گردد . از اين زمان بر حاجي است كه محرّمات احرام را رعايت كند تا روز عيد قربان ، كه پس از قرباني و حلق يا تقصير جواز خروج از احرام پيدا كند . يقيناً حفظ وضعيت احرام در ايامي طولاني ، مشكلات فراواني براي حج گزار بهوجود مي آورد كه تحمّل آن دشوار و چه بسا در شرايطي موجب فساد حج يا توأم با كفارات سنگين مي گردد . اما با تشريع عمره تمتع و خروج از لباس احرام تا روز ترويه ، اين مشكلات به كمترين حد خود مي رسد وحاجي با آسايش بهتر آماده برگزاري مناسك حج مي شود ، ضمن آن كه چنان كه گذشت طي يك سفر از ثواب و فضيلت دو عبادت شرعي ؛ يعني « حج » و « عمره » بهره مند مي گردد و اين مهم ترين فلسفه تشريع « عمره تمتع » به شمار مي رود .

امام رضا ( عليه السلام ) در همين خصوص مي فرمايد : « مردم به انجام عمره تمتّع مأمور شدند تا تخفيف و رخصتي از جانب پروردگارشان باشد و نيز مناسك مردم در زمان احرام آنان سالم

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . صحيح مسلم ، ج2 ، ص910 ؛ همگام با پيامبر در حجة الوداع ، ص107

2 . در حديثي امام رضا ( عليه السلام ) مي فرمايد : « . . . وَأَنْ يَكُونَ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَاجِبَيْنِ جَمِيعاً فَلاَ تُعَطَّلَ الْعُمْرَةُ وَتَبْطُلَ وَلاَ يَكُونَ الْحَجُّ مُفْرَداً مِنَ الْعُمْرَةِ » ؛ نكـ : سنن النبي ، ج8 ، ص59 به نقل از علل الشرايع و عيون اخبار الرضا .

30

مانده و با طولاني شدن زمان احرام ، اين مناسك باطل و فاسد نگردد و چون حج و عمره هر دو واجب هستند ( با فاصله ، هر دو را در يك سفر انجام دهند ) مبادا كه مناسك عمره ضايع و تعطيل شود و حج به تنهايي و جدا از عمره برگزار گردد . . . » ( 1 )

بررسي تطبيقي « حج برتر » در مذاهب اسلامي

با توجه به اختلافي كه در خصوص حج تمتّع ، در جوامع حديثيِ اهل سنت وجود دارد ، در باره برترين قسم حج ، اختلافات زيادي در مذاهب اربعه بهوجود آمده است . برخي از اين اختلافات ، در خصوص « حج برتر » از اقسام سه گانه حج ، به شرح زير است :

الف ) مذهب شافعي : در اين مذهب ، ترتيب افضليت حج هاي سه گانه عبارت اند از : حج اِفراد ، حج تمتّع و حج قِران . ( 2 )

ب ) مذهب مالكي : در اين مذهب ترتيب افضليت حج ها عبارت اند از : حج اِفراد ، حج قِران و حج تمتّع . ( 3 )

ج ) مذهب حنبلي : در اين مذهب ، نظريات مختلفي وجود دارد ، مطابق يك نظر منقول از شخص احمد بن حنبل ، ترتيب افضليت حج هاي سه گانه عبارت اند از : حج تمتع ، حج اِفراد و حج قِران . ( 4 )

د ) مذهب حنفي : در اين مذهب نيز ترتيب افضليت حج هاي سه گانه ، به اين صورت است كه : « حج قِران برتر از حج تمتّع و حج تمتع برتر از حج اِفراد است » . ( 5 )

اين اختلافات درباره برترين نوع حج سبب گرديد كه برخي از مردم درباره نوع حج پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) و نيت آن بزرگوار در لحظه احرام ، به ترديد بيفتند ( 6 ) و پرسش هايي در اين باره از امامان ( عليهم السلام ) بنمايند .

فضيل بن عياض گويد : من از اختلافات مردم درباره نوع حج پرسيدم و اين كه درباره حج پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) برخي معتقدند : آن بزرگوار به نيت حج اِفراد لبيك گفت و برخي مي گويند : آن به نيت عمره محرم گشت ، برخي ديگر قائلند كه آن حضرت به صورت قارن به راه افتاد و برخي ديگر بر اين باورند بدون نيت خاص از ميقات خارج گرديد . اما منتظر فرمان خداي ـ عزّوجل ـ به سر مي برد .

امام صادق ( عليه السلام ) در پاسخ فرمود : البته خداي عزّ وجلّ آگاه بود كه حج پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) در

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . وسائل الشيعه ، ج8 ، ص165 ؛ سنن النبي ، ج6 ، ص59

2 . الفقه علي المذاهب الأربعة ، ص688 ؛ حجة الوداع ، الكاندهلوي ، ص36 ؛ سنن ترمذي ، ج3 ، ص183

3 . الفقه علي المذاهب الأربعه ، ص690 ؛ حَجّة الوداع ، ص37

4 . الفقه علي المذاهب الأربعه ، ص692 ؛ حجة الوداع ، ص37

5 . الفقه علي المذاهب الأربعه ، ص693

6 . حجة الوداع وجزء عمرات النبي ، ص36 ؛ و نيز بنگريد به كتاب حجة الوداع ، ابن حزم ، صص496 ـ 394 با عنوان : الإختلاف في كيفية اهلال رسول الله ( صلّي الله عليه وآله ) بحج مفرد أم بعمرة مفردة .

31

سال دهم ، آخرين حجي است كه پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) انجام مي دهد و بعد از آن ، حجي براي آن حضرت نيست ، لذا در آن سؤال حج و عمره را براي رسول خود جمع ساخت تا توأمان بودن حج و عمره ، به عنوان سنتي براي امت او باقي بماند . به همين سبب چون پيامبر كعبه را طواف كرد و به سعي صفا و مروه پرداخت ، جبرئيل به او فرمان داد كه به مردم بگويد كارهاي خود را عمره قرار دهند ، به جز كساني كه قرباني به همراه آورده اند كه آنان در قيد قرباني خواهند بود و طبق گفتار خداوند كه مي فرمايد : { . . . حَتّي يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ . . . } ( 1 ) خروج از احرام براي آن ها روا نيست . به اين ترتيب بود كه عمره و حج براي پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) جمع گرديد . البته پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) مطابق با همان نيت و سنتي از ميقات به سوي مكه روان گشت كه در ميان اعراب اوليه جاري بود و مردم در آن دوران چيزي جز انجام حج ( در ماه هاي حج ) نمي شناختند . پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) در اين خصوص به انتظار اوامر الهي بود ، اما در عين حال مي فرمود : مردم بر همان سنن پيشين خود هستند ، مگر آن چه را كه اسلام تغيير دهد و از آن جا كه براي مردم انجام عمره در ماه هاي حج متداول نبود ، آن گاه كه پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) فرمود : مناسك خود را عمره قرار دهيد ، اين فرمان براي اصحاب آن حضرت سنگين و گران جلوه كرد ؛ زيرا آنان سابقه اي از انجام مناسك عمره در ماه هاي حج نداشتند . » ( 2 )

اما به عنوان پايان بخش مقاله حاضر ، گفتني است كه در مذهب شيعه افضليت حج تمتع به طور قاطع مورد نظر امامان ( عليهم السلام ) بوده كه جهت دهنده فقه اماميه نيز شده است . امامان مذهب ؛ به خصوص صادقين ( عليهما السلام ) اين موضوع را دست آورد قرآن كريم و سنت نبوي دانسته و هماره بر آن ، به عنوان « برترين نوع حج » تأكيد مي كرده اند ، لذا هم شيعيان را ـ در جو حاكميت اهل سنت ـ بدان فرمان داده اند و هم خود بدون هيچ تقيه و پروايي به انجام آن مبادرت مي كردند .

احاديث زير ـ به عنوان شمار محدودي از رواياتي كه در اين خصوص وارد شده ـ موضع قاطع امامان ( عليهم السلام ) را درباره برترين نوع حج نشان مي دهد :

1 . ابو ايوب ابراهيم بن عيسي گويد : از امام صادق ( عليه السلام ) پرسيدم كدام يك از اقسام حج بر انواع ديگر آن برتري دارد ؟ فرمود : حج تمتّع داراي فضيلت بيشتري است . چگونه امكان دارد حجي با ارجح و برتر از حج تمتّع باشد ، با آن كه پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) آرزو مي كرد و مي گفت : اگر آن چه تاكنون انجام داده ام ، انجام نداده بودم ، امروز حج خود را به همان صورتي انجام مي دادم كه ديگران انجام مي دهند . ( 3 )

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . بقره : 196

2 . بحارالأنوار ، ج90 ، ص96 به نقل از علل الشرايع ؛ حج الأنبياء والأئمّة ( عليهم السلام ) ، ص128

3 . تهذيب الأحكام ، ج5 ، ص35 ؛ من لا يحضره الفقيه ، ج2 ، ص204 ؛ الكافي ، ج4 ، ص291

32

2 . حفص بن البختري و حسن بن عبدالملك ، از زراره ، و او از امام صادق ( عليه السلام ) روايت مي كنند كه فرمود : به خدا سوگند حج تمتع بهتر و برتر است . كتاب و سنت گواه است كه حج تمتع والاتر است . ( 1 )

3 . صفوان جمال گويد : به ابوعبدالله صادق ( عليه السلام ) گفتم : برخي از مردم مي گويند : با خود قرباني ببرم تا حج من مانند حج پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) باشد . برخي مي گويند حج تمتّع به جا بياور ، شما چه مي فرماييد ؟ ابوعبدالله فرمود : اگر من هزار سال بيايم و هر سال عازم حج باشم ، جز با حج تمتّع به خانه خدا نزديك نمي شوم . ( 2 )

4 . عطيّه گويد : به ابوجعفر باقر ( عليه السلام ) گفتم : فدايت شوم ، براي يك سال هم كه باشد ، حج خالص به جا بياورم ؟ ابوجعفر گفت : اگر من هزار سال در جهان بيايم و به حج بيايم حج تمتع به جا مي آورم . تو نيز حج خود را از تمتّع خالص مكن . ( 3 )

5 . محمدبن فضل هاشمي گويد : من با برادرانم به حضور ابوعبدالله صادق ( عليه السلام ) رسيديم و گفتيم : ما عازم حج شده ايم و بعضاً براي نوبت اول به حج مي رويم . بفرماييد با چه نيتي عازم شويم ؟ امام صادق ( عليه السلام ) فرمود : « بر شما باد به حج تمتّع ، سپس فرمود : ما خاندان رسول ، درباره حج و عمره تمتّع از هيچ قدرتي واهمه نداريم . همچنين درباره تحريم مسكرات و مسح كشيدن بر پشت پاها . » ( 4 )

6 . معاوية بن عمار گويد : امام صادق ( عليه السلام ) فرمود : ما غير از حجّ تمتّع ، حجّ ديگري را براي خداوند نمي شناسيم ( انجام نمي دهيم ) و چون در قيامت خداي خود را ملاقات كنيم ، خواهيم گفت : پروردگارا ! ما به كتاب تو و سنت پيامبرت عمل كرديم و اين مردم گويند : خداوندا ! ما به رأي و نظر خود عمل كرديم . آن گاه خداوند ما و آن ها را در هرجا كه مشيت او اقتضا نمايد ، قرار دهد . ( 5 )

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . من لا يحضره الفقيه ، ج2 ، ص204 ؛ تهذيب الأحكام ، ج5 ، ص35 ؛ الكافي ، ج4 ، ص292

2 . الكافي ، ج4 ، ص292 ؛ تهذيب الأحكام ، ج5 ، ص34

3 . تهذيب الأحكام ، ج5 ، ص34

4 . من لا يحضره الفقيه ، ج2 ، ص205 ؛ الكافي ، ج4 ، ص293

5 . الكافي ، ج4 ، ص291